

هر چند طی روزهای پایانی عمر رژیم پهلوی مجلس رو به زوال شورای ملی دوره بیست و چهارم، طرح دولت بختیار مبنی بر انحلال ساواک را تصویب کرد، اما هنوز عناصری از ساواک در تهران و سایر شهرها در برابر انقلاب مقاومت‌هایی می کردند. به همین دلیل در واپسین روزهای عمر رژیم، حملات انقلابیون به مراکز، ساختمان‌ها و مقرهای ساواک شدت گرفت. در این میان سقوط مقر اصلی ساواک در منطقه سلطنت‌آباد تهران و نیز تصرف کمیته مشترک ضدخرابکاری در حوالی میدان توپخانه تهران که سال‌ها مرکز شکنجه‌های ساواک بود، بیش از سایر مراکز در افکار عمومی مردم و رسانه‌ها انعکاس یافت. مراکز و مقرهای ساواک پس از درگیری‌های خونین به تسخیر انقلابیون درمی آمد و برخی اعضا و عوامل ساواک دستگیر می شدند و اعلام خبر تصرف این مراکز با شادی توأم می‌شد؛ بویژه اینکه سالیانی طولانی نام ساواک با شکنجه، قتل و مسائلی از این دست مرادف بود. از جمله روزنامه کیهان خبر تصرف کمیته مشترک ضدخرابکاری به دست انقلابیون را به شرح زیر به اطلاع عموم رسانید:

ساختمان کمیته [مشترک ضدخرابکاری] مرکز عملیاتی مأموران ساواک که طی سال‌های اخیر بزرگ‌ترین شکنجه‌گاه جوانان ایران بوده است، دیروز (۲۲ بهمن ۱۳۵۷) به دنبال یک نبرد ۴ ساعته به تصرف مردم درآمد و گروهی از کارکنان آن دستگیر شدند. نیروهای انقلابی در یورش خود به کمیته مشترک شهربانی و ساواک حمله کردند و در سلول‌های نمور و اتاق‌های وحشتناک کمیته مقدار زیادی عکس از جنازه‌زندانیان سیاسی که در زیر شکنجه شهید شده بودند… پیدا کردند. تعداد زیادی از ابزارهای شکنجه هم در این حمله به دست نیروهای انقلابی افتاد…

به دنبال اعلام تصرف کمیته مشترک ضدخرابکاری، بسیاری از مردم برای بازدید از این شکنجه‌گاه مخوف هجوم بردند. اخبار و گزارش‌های موجود نشان می‌داد تعدادی از عوامل و اعضای ساواک در تهران و سایر شهرها در واپسین روزهای حکومت پهلوی در درگیری با انقلابیون به قتل رسیده و یا دستگیر و راهی زندان شدند. انقلابیون و رهبران جمهوری اسلامی ایران علاقه‌مند به شناسایی، دستگیری و پاکسازی عناصر وابسته به ساواک از ارکان حاکمیت و دولت بودند و از خطرانی که ساواکی‌ها می‌توانستند با هماهنگی سایر گروه‌های ضدانقلاب برای نظام اسلامی به وجود بیاورند، آگاه بودند، اما در این میان احزاب و گروه‌هایی نظیر سازمان مجاهدین خلق، چریک‌های فدایی خلق، کمونیست‌ها و عناصری از وابستگان به حزب توده خود را به افشای نام و مشخصات اعضا و عناصر وابسته به ساواک و نیز آشکار شدن اسناد و مدارک محرمانه و سری ساواک مشتاق تر نشان می‌دادند. برخی چنین تحلیل می‌کردند که تلاش گروه‌های چپ و کمونیستی برای افشای سریع اعضا و همکاران ساواک طرحی از پیش تعیین شده از سوی «کآگب» و سفارت شوروی در تهران برای دستیابی سریع و آسان به مراکز، منابع اطلاعاتی و اقدامات ساواک در سالیان گذشته ضد شوروی و «کآگب» در ایران و سایر مناطق جهان است. گفته می‌شد کآگب و محافل وابسته به شوروی قصد داشتند با شناسایی سریع ارتباط و اقدامات و طرح‌های ساواک، بر مجموعه منابع اطلاعاتی، امنیتی و ضدجاسوسی در ایران اطلاع یابند. در این میان دی ۵۸ گروهی موسوم به اتحادیه کمونیست‌های ایران کتابی حاوی فهرست نام و مشخصات حدود ۸۰۰۰ نفر را منتشر کرد که آنها را به عضویت در ساواک یا همکاری با آن منتسب کرده بود. در شرایطی که به مقتضای وضعیت انقلابی، احزاب و گروه‌های مختلفی باارائه راه‌حل‌های خواستار رسیدگی به وضعیت ساواک و ساواکی‌ها بودند، تا مدت‌ها مردم به دنبال شناسایی و دستگیری اعضا و عناصر وابسته به ساواک بوده و در این میان دادگاه‌های انقلاب اعضای درشت ساواک را محاکمه و به تناسب جرائم‌شان مجازات‌هایی تعیین می‌کردند. طی چند ماه اول پیروزی انقلاب اسلامی تعدادی از اعضای برجسته ساواک دستگیر، محاکمه و به جوخه اعدام سپرده شدند. در این میان هر از گاه افرادی که از سوی برخی محافل، گروه‌ها و افراد به عضویت یا همکاری با ساواک متهم می‌شدند، طی اعلامیه‌ها و یادداشت‌هایی در نشریات و روزنامه‌ها، از وابستگی، همکاری و عضویت خود در ساواک تبری می‌جستند. همچنین مدت کوتاهی پس از پیروزی انقلاب، افرادی از مستخدمین و اعضای ساواک در جمعی در مقابل ساختمان نخست‌وزیری، ضمن تبری جستن از جنایات و اقدامات غیرانسانی ساواک خواستار روشن شدن وضعیت سازماندهی و آینده کاری و شغلی خود شدند.

- ساواک‌سازی**

از همان نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش‌هایی برای پاکسازی و تصفیه وزارتخانه‌ها، دوایر دولتی و حکومتی، دانشگاه‌ها، مؤسسات، کارخانجات تولیدی، رادیو و تلویزیون و سایر مراکز از عناصر و عوامل وابسته به ضدانقلاب و بویژه ساواک آغاز شد. در بسیاری از دوایر دولتی و حکومتی و وزارتخانه‌ها و مؤسسات افراد وابسته یا عضو ساواک عمدتاً توسط کارکنان و کارمندان شناخته شده و پیشاپیش تعیین تکلیف شده بودند. البته میان دولت موقت بازگان که عمدتاً در برخورد با مشکلات و مسائل پیش رو، سیاست میانه‌رویی دنبال می‌کرد، با سایر بخش‌های حاکمیت و مردم که خواستار برخورد قاطع‌تری با ضدانقلابیون و عوامل رژیم سابق و ساواکیان بودند، اختلاف‌نظرهایی وجود داشت. با این حال حتی گروه‌های میانه‌رو نیز نمی‌توانستند خواست مردم را نادیده بگیرند و به همین دلیل موضوع پاکسازی مجموعه حاکمیت را از عناصر و عوامل وابسته و عضو ساواک امری ضروری دانسته و در اجرای آن تردیدی نشان نمی‌دادند. از مهم‌ترین مراکز که موضوع ضرورت پاکسازی و تصفیه عناصر و عوامل ساواک را به سرعت مورد توجه قرار داد، رادیو و تلویزیون بود. در حالی که مهم‌ترین چهارم‌ها وابسته به ساواک در رادیو و تلویزیون پیشاپیش این مکرری به کارکنان و کارمندان وابسته به ساواک که هنوز در این سازمان مشغول به کار بودند، هشدار می‌داد در نخستین فرصت خود را به مراجع مسؤول معرفی کنند.

در آستانه سقوط رژیم پهلوی بسیاری از شعب و نمایندگی‌های ساواک در داخل و خارج کشور اسناد محرمانه و حساس را معدوم کرده و از میان بردند. با این حال چند ماه



پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انقلابیون به دفترچه‌های رمزی دست یافتند و کشف رمز کردند که حاوی اسامی و مشخصات نفوذی‌ها، خبرچینان، جاسوسان و عوامل ساواک در پوشش‌های مختلف در دوایر و وزارتخانه‌ها بود. در همین حال اخبار و گزارش‌های موجود نشان می‌داد از همان روزهای نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش‌های بسیاری برای ربودن اسناد بر جای مانده از ساواک صورت می‌گرفت. از جمله مهم‌ترین مراکز ساواک که بخش قابل‌توجهی از پرونده‌های محرمانه آن ربوده شده و دیگر اثری از آن به دست نیامد، شعبه ساواک در تبریز و آذربایجان بود. بدین ترتیب تا مدت‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل فقدان دولتی کارآمد، افراد و گروه‌هایی در پوشش‌های مختلف اسناد و مدارک بسیار حساس و قابل استنادی را که می‌توانست ضد برخی گروه‌های به‌ظاهر انقلابی به کار گرفته شود، ربوندن یا معدوم کردن. مهندس بازرگان بعدها در کتاب «انقلاب ایران در ۲ حرکت» این گروه‌ها را انقلابیونی متظاهر ازبایی می‌کند که جز برای رسیدن به قدرت و حکومت اندیشه دیگری در سر نداشتند و همانان بودند که در سرآغاز پیروزی انقلاب اسلامی به غارت پادگان‌ها و مقرهای ساواک و… پرداخته و اسناد و مدارک و غنایم بسیاری به یغما بردند. بسیاری از چهره‌های مشهور و غنایم بسیاری به یغما که از همان نخستین روزهای پس از انقلاب در گوشه و کنار کشور زندگی مخفیانه‌ای نداشتند، تحت تعقیب دادگاه‌های انقلاب، کمیته‌ها و سایر مراجع مسؤول قرار گرفتند. هر از گاه اسامی و مشخصاتی در روزنامه‌ها و نشریات منتشر شده و از مردم می‌خواستند چنانچه از این افراد اطلاعاتی در دست دارند، به اختیار دادگاه‌ها و دادسراهای مربوط قرار دهند. از جمله روزنامه کیهان ۲ خرداد ۵۸ در این باره به نقل از دادستان انقلاب استان مرکزی چنین آورد: «دادستان انقلاب اسلامی مرکزی صورت اسامی ۱۴ نفر از متهمین دادرای انقلاب اسلامی را انتشار داد تا چنانکه کسانی اطلاعاتی و یا شکیاتیی علیه آنها دارند بسا مدارک کافی به دفتر این دادسرا ارسال دارند: ۱- سرهنگ هوشنگ سلیمی‌تهرانی، رئیس ساواک اهواز، اردبیل، استان آذربایجان و بوشر ۲- روح‌الله ممبر، بازجوی ساواک اهواز بویژه دانشجویان دادگاه بندر شاپور ۳- فریدون سلیمی‌تهرانی، بازجو ۴- صمد امیرصمصام‌پور، معاون ساواک رشت و آبادان ۵- سرهنگ پرینیانی، رئیس ساواک کرج ۶- علی‌اصغر صادقی‌یگانه، بازجوی متخصص ۷- عبدالله ذوالفقاری، عضو اکیپ کمکی کمیته مشترک باصطلاح خرابکاری ۸- احمد اظہری، بازجوی ساواک رضاییه ۹- سرهنگ احمدی، رئیس ساواک اراک ۱۰- هوشنگ امیرافشارنیا، رئیس زندان‌های اوین و قزل قلعه ۱۱- کریم باصرنیا، رئیس ساواک قم، بازجو و شکنجه‌گر و دستگیر کننده ۱۲- ولی‌الله غنایی، جزو تیم گشتی اوین ۱۳- پرویز حاجی‌فرجی، جزو تیم گشتی و دستگیری اوین ۱۴- محسن نادریان، معروف به حسن مسکین».

۱۵ اردیبهشت ۵۸ روزنامه کیهان فهرست ۸۶ نفرای منتشر کرد که در پوشش‌های مختلف سیاسی، دیپلماتیک، دانشجویی و… برای ساواک در خارج از کشور کار می‌کردند و بانک مرکزی همه ماهه حقوق و دستمزد آنان را از حساب ویژه ساواک ارسال می‌کرد. اخبار و گزارشات موجود حاکی از آن بود که مدت کوتاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی مردم خشمگین در شهرهای مختلف اعضای برجسته و در عین حال بدنام و جنایتکار ساواک را دستگیر و گاه به طرز فجیعی به قتل می‌رسانیدند. همچنان که روزنامه کیهان در روز ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ از قتل فجیع ۶ ساواکی و نیز رئیس ساواک رشت توسط مردم خشمگین این شهر خبر داد. برخی از مهم‌ترین چهره‌های ساواک نیز قبل از دستگیری، خودکشی کردند. از مشهورترین و در عین حال جنایتکارترین ساواکیانی که قبل از دستگیری خودکشی کرد، محمدعلی شعبانی معروف به حسینی بازجوی کمیته مشترک ضدخرابکاری بود. او تا حدود ۵۰ روز پس از آنکه با اسلحه کمری خودکشی کرد، زنده بود و در نهایت روز جمعه ۱۴ اردیبهشت ۵۸ مرد. تعداد قابل توجهی از ساواکیان و وابستگان آن سازمان نیز که شناسایی،

تظاهرات



صحنه‌ای از دادگاه برخی شکنجه‌گران ساواک

مروری بر داستان تلخ شکنجه‌گران و مأموران امنیتی رژیم پهلوی

سرنوشت ساواکی‌ها

دستگیر و در زندان به سر می‌برند، از زندان‌ها و از دست مأموران فرار کرده و بعضاً پس از مدتی از کشور گریختند.

- همکاری با سیا**

در دوره انقلاب، سفارت آمریکا در تهران و نیز مأموران سیا در ایران تحولات سیاسی و اجتماعی کشور را با دقت دنبال می‌کردند. در واپسین ماه‌های حکومت پهلوی آشکار شده بود امید چندانی به نجات شاه نیست، به همین دلیل، سفارت و مأموران سیا، برای حفظ منافع خود در نظام سیاسی جدیدی که پیش‌بینی می‌شد در آینده‌ای نه چندان دور قدرت را در دست گیرد، با برخی افراد میانه‌رو وارد مذاکره شدند. با انتصاب بازرگان به سمت نخست‌وزیر موقت انقلاب، آمریکا برای کنار آمدن با حکومت اسلامی امیدوار شد و به دنبال آن تماس‌هایی در سطح نمایندگان دولت و افرادی از سفارت آمریکا در تهران ادامه یافت. در همان حال سفارت آمریکا و نیز مأموران سیا در ایران با‌رغم انتقاداتی که از سوی انقلابیون متوجه آنان بود، با افراد و گروه‌هایی از ضدانقلاب و اعضا و وابستگان ساواک در ارتباط بودند و تلاش می‌کردند قبل از آنکه دادگاه‌ها و محاکم انقلابی، ساواکیان و عناصر وابسته به رژیم سابق را محاکمه و به مجازات برسانند. به آنان پناه داده و با جعل اسناد و تهیه گذرنامه‌های مستعار موجب‌افران آنان را از کشور فراهم آوردند. سفارت آمریکا در ایران، ضمن حمایت از مخالفان داخلی نظام جمهوری اسلامی و حرکت خزنده برای نفوذ در انقلاب و گسترش رابطه با دولت موقت، برای تضعیف دستاوردهای انقلاب فعالیت می‌کرد. سفارت آمریکا در تهران کانونی برای فعالیت و آمدوشد جاسوسان، خبرچینان و مخالفان نظام جمهوری اسلامی شده بود و ناارامی‌ها را در گوشه و کنار کشور و تحرکات ساواکی‌های سابق و ضدانقلاب را هماهنگ می‌کرد.

بسیاری از اعضای برجسته ساواک که از کشور گریخته بودند با مقامات آمریکا و نیز سیا ارتباط داشتند و درباره اقداماتی که می‌توانست ضد نظام جمهوری اسلامی صورت گیرد، رایزنی می‌کردند. همچنین برخی رؤسا و رهبران بلندپایه و میانی ساواک که پس از پیروزی انقلاب در کشور مانده بودند، با مقامات سفارت آمریکا و نیز سیا در ایران رابطه داشتند. فرایند مسجود نشان می‌دهد اعضا و عناصر وابسته به ساواک بویژه در خارج از ایران با مأموران موساد نیز ارتباط داشتند. سیا همچنین برخی از مهم‌ترین و کارآمدترین جاسوسان و خبرچینان ساواک را در داخل و خارج کشور که هنوز هویت‌شان برای نظام اسلامی آشکار نشده بود، به خدمت گرفت. این افراد که در پوشش‌های مختلف در داخل و خارج کشور فعالیت می‌کردند، می‌توانستند آزادانه به ایران مسافرت کنند و بیش از هر نیروی دیگری در خدمت اهداف اطلاعاتی- جاسوسی آمریکا و سیا قرار گیرند. در همان حال برخی چهره‌های ناشناخته اما مهم ساواک در داخل و خارج کشور، فعالیت‌هایی ضد نظام جمهوری اسلامی سازمان می‌دادند، و امیدوار بودند از طریق سفارت آمریکا و نیز مأموران سیا در ایران اقدامات خود را به سرانجام رسانند.

گفته می‌شد تَرَکاتی از این دست به منظور تقویت موقعیت میانه‌روها در مقابل دشمنان و مخالفان سازش‌ناپذیر آمریکا، به رهبری امام خمینی(ره) صورت می‌گیرد. قربانی هم وجود داشت که نشان می‌داد این محافل با هماهنگی سفارت آمریکا با برخی گروه‌های افراطی نظیر گروه تروریستی فراق که طرح ترور رهبران اصلی انقلاب را داشتند، همکاری می‌کنند. در نخستین ماه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در برخی مراکز و مناطق کشور اغتشاشات و درگیری‌هایی وجود داشت که مقامات حکومت اسلامی بر این باور بودند که مأموران سیا و عناصر وابسته



کامیاران، اورامانات، سلماس، نقده و…

۲- ایجاد اغتشاش و هرج و مرج و قتل در گنبد، تبریز، تهران، زاهدان، بندر لنگه، قم و…

۳- ترور شخصیت‌های اسلامی و افراد مبارز

۴- قتل و ترور مداوم پاسداران در هر نقطه از کشور

۵- آتش زدن متناوب جنگل‌ها و مراتع

۶- آتش زدن صندوق‌های رأی

۷- آتش زدن خرمن‌ها و تخریب زمین‌های زراعی و باغستان‌ها

۸- مسموم کردن آب رودخانه‌ها برای از بین بردن ماهی‌ها

۹- تخریب و آتش زدن مغازه‌ها و خانه‌های مردم

۱۰- سرقت اموال مردم

۱۱- اشغال مراکز دولتی به نام تحصن و…

۱۲- کارشکنی در جریان کار مراکز تولیدی و کارخانه‌ها

۱۳- راهزنی و سرقت اموال و گوسفندان مردم

۱۴- کشتارایی‌رویه گاوها و گوسفندان شیره به حامله بره‌های

شیری و صید حیوانات و پرندگان وحشی

۱۵- پخش شدید سلاح

۱۶- خارج کردن پول، طلا، اجناس قیمتی و اسناد سیاسی

۱۷- جعل اسکناس، گذرنامه و مهر به نام کمیته امداد امام و نظایر آن

۱۸- انفجار در مراکز عمومی و خصوصی از جمله راه‌آهن، لوله‌های

نفت، دکل‌های مخابراتی و… مثلاً در دی‌ماه ۵۸ طبق نوشته روزنامه‌ها ۳۰ مورد انفجار به وقوع پیوسته یا ماده انفجاری کشف و از کار افتاده است.

۱۹- ایجاد بی‌نظمی در روستاها و تشدید اختلافات خانوادگی و قبیله‌ای در میان روستاییان

۲۰- سرقت بانک‌ها، از باب نمونه از تاریخ ۵۸/۸/۲۰ تا ۵۸/۱۱/۴ ۲۱- فقره موجودی بانک‌ها یا قلم‌هایی از قبیل ۱۰ میلیون تومان به سرقت رفته است.

۲۱- طرح شعارها و کتال‌های انحرافی، جو کاذب درست کردن، بالا بردن توقعات غیرعملی در مردم و دامن زدن به اختلافات قشری و پهلوی و گروه‌های گوناگون

۲۲- شایعه‌رانی، تهمت و ایجاد جو بدبینی نسبت به انقلاب اسلامی و شخصیت‌های اسلامی یا ملی
۲۳- روبیدن احزاب و گروه‌های قارچ‌گونه که بیشتر آنها مقاصد توطئه‌آمیز داشته و تعداد آنها به حدود ۱۰۰ گروه رسیده است و …

عوامل ساواک با پاسداران و نیروهای وفادار به نظام جمهوری اسلامی درگیر می‌شدند که معمولاً تلفات جانی نیز به همراه داشت. بسیاری از انقلابیون در شهرهای مختلف طی نخستین ماه‌های پس از پیروزی انقلاب، توسط ساواکیان تهدید به مرگ می‌شدند. در همان حال برخی مسؤولان و وفاداران به انقلاب نیز در درگیری‌های نظامی یا طی عملیات تروریستی که توسط عوامل ساواک طراحی و اجرا می‌شد، به شهادت می‌رسیدند. در برخی مناطق کشور، ساواکی‌های سابق در دسته‌های چندین‌نفری به گروه‌های گشت و مقر و محل استقرار نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و کمیته‌های انقلاب اسلامی حمله می‌کردند که طی آن تلفاتی به طر‌فین وارد می‌شد. در همان حال ساختمان‌ها و دوایر دولتی و حکومتی نیز از حملات تروریستی و بمب‌گذاری‌ها و دیگر اقدامات تخریبی عوامل ساواک و ضدانقلاب مصون نبود. برخی بر این باورند ترور افرادی نظیر آیت‌الله «مرتضی مطهری» و سرانشکر «محمدولی قرنی» با هدایت و برنامه‌ریزی‌های عوامل ساواک صورت گرفته و گروه‌هایی نظیر گروه فرقان آلت دست ساواکی‌های سابق و عوامل وابسته به رژیم گذشته شده‌اند. بسیاری از وابستگان ساواک همگام با سایر ضدانقلابیون طرفدار سلطنت، مدت‌ها با وعده‌نبرد بانظام جمهوری اسلامی از کمک‌های مالی خاندان سلطنت برخوردار بودند و شمار قابل‌توجهی از آنان با هدف مشکمل کردن ضدانقلابیون طرفدار رژیم سابق، در کشورهای مختلف اروپایی، آمریکا و خاورمیانه در آمد و شد بودند. در این میان عراق پذیرای اکثر عناصر و عوامل وابسته به ساواک و رژیم سابق بود. سفارت آمریکا در تهران تا واپسین هنگام فعالیت رسمی در ایران با بسیاری از افراد و گروه‌های سیاسی مخالف نظام جمهوری اسلامی در داخل و خارج تماس داشت. در گزارشات سفارت از مذاکرات، گفت‌وگوها و نشست‌های متعددی سخن به میان آمده که بین چهره‌های مشهور ساواک و وابستگان رژیم سابق در کشورهای اروپایی، برای یافتن راه‌های مقابله با نظام نوپای جمهوری اسلامی در جریان بود. در همان نخستین ماه‌های پس از سقوط رژیم پهلوی، برخی نشریات خارجی شمار ساواکی‌هایی را که در گروه‌های متشکل وارد کمک آمریکا به قاهره وارد شده بودند تا ضد نظام اسلامی وارد کمک شوند. ۹۰۰۰ نفر براور می‌کردند. گفته می‌شد این افراد قصد دارند با هدایت شاه و شاپور بختیار و نیز حمایت‌های سیا و موساد و احیاناً حکومت وقت مصر، فعالیت‌هایی ضد نظام جمهوری اسلامی سازماندهی کنند. پاریس از مهم‌ترین مناطق اروپا به شمار می‌رفت که پذیرای شمار زیادی از اعضا و عوامل وابسته به ساواک و گروه‌های متشکل ضدانقلاب طرفدار سلطنت بود. همزمان با آغاز انجام اقدامات خرابکارانه و تخریبی ضدانقلابیون و نیز برخی گروه‌ها و افراد مخالف نظیر شاپور بختیار در حال آماده کردن یک طرح کودتای نظامی در ایران بودند که به «کودتای نوزه» مشهور شد.

با شکست کودتای نوزه، آمریکا توطئه دیگری برای به سقوط کشاندن نظام اسلامی آغاز کرد و با اشاره ایالات متحده، رژیم بعثی عراق ۳۱ شهریور ۵۹ به ایران حمله کرد. در این جنگ تحمیلی که حدود ۸ سال به طول انجامید، برخی اعضا و عناصر وابسته به ساواک و ضدانقلاب همکاری تنگاتنگی با رژیم بعث عراق داشتند. عراق در کسب خبر و اطلاعات و اخبار محرمانه و مهم درباره مراکز حساس نظامی، امنیتی، اقتصادی، سیاسی و… در ایران به عوامل ساواک و رژیم سابق در داخل و خارج کشور اتکا داشت.

از جمله اقداماتی که در طول دوران یکساله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عناصر و عوامل وابسته به ساواک در سازماندهی، هدایت و اجرای آن مشارکت داشتند، چنین است:

۱- ایجاد آشوب و کشتار مستمر در

همه مناطق کردستان مانند مهاباد،

سنندج، سقز، سرشدشت، یانه، پاوله،

منبع: کتاب «ساواک» سازمان اطلاعات و امنیت کشور، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی